

در ماهی گذشته برخی رسانه‌های غربی بی‌گزارش داده بودند ترامپ حتی به طریق واسطه‌ها و ارتباطات سیاسی تلاش کرد تا در پیوند نزدیک کمیته دولتی را برپا کند. اگر ای رسانه‌ای، مصالح‌های حساب شده، سفرهای ترامپ را بر سر سودا و کارهای دیپلماتیک درباره «صلح تاریخی خاورمیانه» بخشی از بار اول رسیسن به این هدف بود، اما به‌علاوه بار برنده اسمال، رؤیای ترامپ برای نخستین بر صندلی دولتی‌های صحرای بارق رفت و برگشت دیگر جهان دید که اسمال صلح‌آمیزی در صفت و صفات و استعمار از اعتبار بی‌منتهی می‌شود. همراه باشد، در نهایت به شکست و بی‌اعتباری منتهی می‌شود. هرچه‌امری در بر فهرست قرار بدند، جازه صلح‌نویز در پی‌خواه این نهاد می‌چنانکه این نظیر شیومن بر نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی، باراک اوباما این کشور را می‌چهره امکا، آنکسان صوبی قصاب مسلمانان همسوا با اهداف غرب نظیر شیرین عبادی و برنده اسمال صلح‌نویز، شایسته سوگیرانه بودن این جازه، شدیداً نفوذ می‌شود. اما بدست ترامپ حتی از حیات چنین جابه‌جایی، یک کوتاه ماند، در پی اقدامات یک‌سایر اخیر از دریافت هم‌جانبه‌نظمی، تسلیحاتی و سیاسی در جنایات رژیم صهیونیستی تا حمله مستقیم به خاک جمهوری اسلامی شایسته قرار گرفت و در فهرست جنایتکاران علیه بشریت رد شده است.

حالا شکست ترامپ برای ثبت تاریخی نام خود در میان نوبلیست‌های صلح جهانی، تمام اقدامات پریاهو و مزرانه یک‌سال اخیر او برای ترسیم چهره‌ای صلح‌طلبانه از خود را یک شبه فرو ریخت و او را ناکام و سرخورده از تمام نمایش‌های صلح‌طلبی خود کرد.

در عصر دیده شدن‌ها

کودک امروز، آینده فرداست و آینده‌ای که در آن، کودک از توجه، محبت و امنیت روانی محروم بوده و هر چقدر هم از نظر مالی تأمین شده باشد، «بدمشن» می‌شود چرا که هر کودک برای رشد سالم، نیاز به «بدمشن» دارد. در فقط با چشم، بلکه با دل، او باید احساس کند که مهم است، شنیده می‌شود و حضورش معنادار است. این احساس نیازگذار عزت نفس، اعتمادبهنفس و توانایی‌های اجتماعی او در آینده خواهد بود.

مطالعات جهانی نیز نشان می‌دهد کودکانی که در سال‌های اولیه زندگی، زمان بیشتری را در آغوش والدین‌شان گذرانده‌اند، از نظر رشد شناختی، عاطفی و اجتماعی عملکرد بهتری دارند. هم‌کلامی، بازی مشترک و حتی گاهی سکوت‌های همراه، همه و همه تغذیه‌کننده روح کودک هستند.

هفته کودک امسال، با شعار «کودکان، حال خوش زندگی»: از ۱۵ تا ۲۱ مهر در حال برگزاری است. این هفته، فرصتی است برای تأمل، برای بازنگری در رفتارها، سیاست‌ها و نگاه‌مان به کودکان. کودکانی که با بلخندشان دنیا را زیباتر می‌کنند، با نگاه معصوم‌شان امید را در دل‌های ما دارند.

هفته کودک، نمادی از امید، زندگی و آینده است. تلنگری برای هر نهاد و خانواده‌ای تا عملکرد خود را در قبال کودکان بررسی کند چرا که کودک، آغازگر همه فرآیندها است و جامعه‌ای که صدای کودکان را بشنود و حقوقشان را محترم بشمارد، بدون شک آینده‌ای روشن‌تر خواهد داشت.

به نظر شما تأثیر اسنپ‌بک بر جامعه
چقدر اقتصادی و واقعی و چه مقدار
نتیجه‌بار روانی بر جامعه است؟

با توجه به این واقعیات پس هدف از فعال کردن اسنپک چیست؟

70 75 80 85 90 95 100

مدیریت و سیاستگذاری کشور در این شرایط باید چگونه باشد تا بتوان مردم را نسبت به اتفاقات اینچنینی واکنش کرد؟

مدیریت دولت فعلی، قبلی و دولت‌های قبل در همگی به یک شکل مرتکب اشتباه شدند و آن اشتباه این بود که هیچ‌کدام ارایه طرح اقتصادی نگرفتند. انکار آقایان سوار نکردن یک جنگ اقتصادی جدی علیه ما آغاز شده و قرار است با این طرح اقتصادی ما را از پدربزرگمان ۱۵ سال جلوتر بیاورند.

تجرب‌های همدی که علیه ایران وضع شده و گذشته‌است البته ما را روز اول انقلاب تحریم

[illegible]

می‌شود مانند سال‌های



به عنوان مثال ما یک قرارداد ۲۵ ساله با چین
داشتیم که خیلی از مشکلات را می توانست حل
کند، اما یازدن این قرارداد ۲۵ ساله که درباره همکاری
بود، در صورتی که مسائل علمی ایران و غیره
نست، یک کلنگ بر زمین خورده است؛ یعنی
دولت باید گزارشی دهد و بگوید مثلاً ما در این
قرارداد ۲۵ ساله با چین سه ستاییم و شاید ۱۰ سال
پس از آن به نوبت شده، این چند کار را انجام دهی
به این همکاری منجر شد. فکر می کنم مطلقاً
توافق و فتنه و اجزای این نشده و دلایل این است
که هنوز ما ندانیم ما تحریم هستیم و باید برای
این کشور این وضعیت بر تازیم. دولت های قدیم را
محاسبه و آرد نمی کنند و به نظر نمی رسد

که چه آسیبی به زندگی مردم وارد می کند. به شکل کلی عرض می کنم که اسنپ یک آسیب

نچنانی نرساده است اما این عدم آرایش جنگی که در بین مسئولان وجود دارد و در برنامه‌ها هیچ نشانی از مقابله با تحریم‌ها و چگونگی مواجهه با تحریم‌ها وجود ندارد، موجب شده است زندگی مردم دشوار شود و این موضوع بیشترین تأثیر روانی را برای مردم دارد،

یعنی اگر مردم احساس کنند دولت
کنترلی دارد و قرار است کاری
انجام دهد و برنامه‌ای برای
مقابله با تحریم‌ها دارد، از
لحاظ روانی اینقدر دچار
اضطراب نمی‌شوند که
قیمت‌ها به این شکل بالا
برود و از نظر روانی با تورم
بازار دچار آشوب شود.

به این صورت یکی از مهم‌ترین ارکان نظام تعلیم و تربیت یعنی تقویم آموزش که در واقع ظرف و بستر اصلی یاددهی - یادگیری است، دچار نقص اساسی است و این وضعیت موجب شده کشورمان در بین کشورهای دنیا کمترین میزان آموزش سالانه را داشته باشد و در رتبه

پشتوانه این مصوبه، گزارش کارشناسی «ضرورت‌های اصلاح تقویم آموزشی» است که از سوی مرکز پژوهش‌های مجلس منتشر شده است.

*مدیر گروه آموزش و پرورش مرکز پژوهش‌های مجلس

[illegible]